

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی
۲۳ جولای ۲۰۱۶

ناتوی فرهنگی و رژیم اسلامی در ایران جبهه متحد سرمایه و ثروت علیه فقر در باب اپوزیسیون های ایرانی پنتاگونی (رنگین کمان) ننگین کمان یا القاعده ایرانی در لباس دموکراتیک لائیک



به مناسبت توقیف وبلاگ گاهنامه هنر و مبارزه/جغرافیای سیاسی با مداخله گروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه از شبکه های کنترل وزارت ارشاد اسلامی، در تیبانی و تلاقی با توطئه های گوناگون در جبهه عوامل استعماری امپریالیستی، در اینجا : جامعه رنگین کمان، از جمله علیه نویسندگان و منتقدان فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. می خواستم نشان دهم که رژیم دیکتاتوری سرمایه داری اسلامی قاچاقچی متافزیک در ایران با سابقه ۱۴۰۰ سال تروریسم اسلامی و پیکره اپوزیسیون های ایرانی پنتاگونی (مثل جامعه رنگین کمان) به یک پیکره مستقل واحد سرکوبگر و از خودبیگانه ساز تعلق دارند.

شناخت مکانیزم و روابط مفصلی پوزیسیون سرمایه داری ارتجاعی/و حاکمیت تروریسم تمدن ستیز دستگاه دین اسلام و اپوزیسیون های به مراتب ارتجاعی تر و خطرناکتر از تروریسم اسلامی که حاصل سیاستهای امپریالیستی بوده و هستند برای پیشگامان ایران و مبارزان اجتماعی ضرورت اجتناب ناپذیری خواهد داشت، نوشته حاضر در ۷ بخش به شکل پلانفرمی برای گسترش و نقد مطالب گوناگون در پیوند یا چنین موضوعی منتشر می شود.

امیدهای بر باد رفته در انقلاب رایانه‌ی

چراغ امید و شور و شوق ما برای پیشرفت در عرصه رسانه های نو و انقلاب رایانه‌ی خیلی زود به خاموشی گرائید و بیش از پیش به جعبه ابزار جنگی، تروریسم، توطئه چینی مانند انقلابهای رنگی در پیوند با دروغ رسانه های قدرت های حاکم برای تخریب و مداخله در کشورهای مستقل و به همین گونه تخریب زندگی خصوصی، حقوق انسانها در آزادی بیان و استفاده از رسانه های نو تا تخریب آثار فرهنگی و هنری به هدف تسخیر وقت آزاد برای گسترش بازار مصرفی و به سخن دیگر تصاحب قدرتمدارانه زبان به مثابه ابزار کار سلطه ایدئولوژیک سرمایه و در نتیجه تاجگذاری ایدئولوژیهای خردگریز و همین گونه تسخیر ساختارهای آموزشی به همراه خصوصی سازی در تمام زمینه ها مانند آموزش و اطلاعات، بهداشت، معادن و مواد اولیه (که به شکل رایگان ولی محدود در طبیعت وجود دارد)، و خلاصه خصوصی سازی زندگی، سرکوب عمومی برای حفظ نظام سرمایه (بخوانید دموکراتور) در سطح گسترده به کار بسته شد.

لوسین سو، پدیده ای را که ما در اینجا امید بر باد رفته نامیدیم، در دورانی که اوج از خودیگانی را زندگی می کنیم، به «پدیده بنیادی نوینی» نسبت داده است که همانا پیدایش گسترده سرمایه خصوصی، به ویژه در اشکال مالی در زمینه وسیع خدمات کالائی و غیر کالائی که در کشورهای توسعه یافته بخش مهمی از فعالیتهای اقتصادی را تشکیل می دهد. گسترش سرمایه های مالی به فعالیتهای حیاتی و جائی که قابلیتهای فنی در بالاترین سطوح قرار دارد: بهداشت، آموزش، پژوهش، اطلاعات، فعالیتهای فیزیکی و ورزشی، تفریحی و تعطیلات (وقت آزاد)، و به همین گونه زمینه های فرهنگی و ارتباطاتی که تحت تأثیر حاکمیت مالی به انحراف کشیده شده است.

فلیسوف فرانسوی در نقطه مفصلی سرمایه مالی و سرمایه گذاری های خصوصی در فعالیتهای خدماتی، به نکته بسیار مهم و اساسی اشاره می کند و می گوید: وقتی این نوع خدمات زیر چتر سرمایه مالی خصوصی قرار می گیرد نتایج بسیار عظیمی به بار می آورد: زیرا این فعالیتهای خدماتی آنهایی هستند که تأثیر مفیدشان در اشیاء عینیت نمی یابد بلکه مستقیماً روی فرد آدمی و انسانها تأثیر می گذارد و نکته بسیار مهم دیگر این است که محتوای اینگونه فعالیتهای و تأثیر نهانی و فرجام آنها تحت تأثیر سرمایه تغییر می کند و مفهوم آن را نیز تغییر می دهد.

در نتیجه، شاهره اطلاعاتی و آزادی بی مرزی که وعده داده شده بود، خیلی زود به زیر پای تجارت جهانی سقوط کرد و ابزار هوشمند، هوشمندانه ما را به نام ضرورت سود سرمایه به جای ضرورت زندگی در تارنمای خود در هم پیچید. به بیان دیگر همانگونه که لوسین سو توضیح داده است، مفهوم شاهره اطلاعاتی و آزادی بی مرز به شکل خزنده در چرخ دنده های «غیر بزرگ» هیولائی که همه چیزی را می بلعد تا به سود سرمایه تبدیل کند، تغییر کرد.

و خاصه با وجود قوانین کپی رایت و حقوق نویسندگان و ناشر و مالکیت خصوصی اثر ادبی و امثال اینها به قول شوپن هاور در ۲۰۰ سال پیش از این، در باب «منع بازتولید ادبی» که می توانیم آن را از جمله به کار ترجمه نیز گسترش دهیم، نوشته است: «سرانجام بهانه حق نویسندگان و ناشر به ویرانی ادبیات می انجامد» (شوپن هاور. «نویسندگان و شیوه نگارش»). (۱۸۱۹). در دوران ما با وجود انقلاب رایانه‌ی و امکانات فوق العاده آن، عملاً می بینیم که نظام حاکم سرمایه و ایدئولوژی طبقاتی و منافع طبقاتی همه این امکانات را یک روز به نام قانون و یک روز دیگر به نام امنیت عمومی، و یا اگر بخواهیم اصطلاح ایرانی را به کار ببریم به نام «دستور کار گروه تعیین مصادیق» با کلید داری وزارت ارشاد اسلامی در ایران... دلایل جانبی دیگری نیز می تواند وجود داشته باشد، خیلی ساده مثل فقدان پول کافی برای خرید کامپیوتر و برنامه های مرتبط به نرم افزاری، و حتا خرید کتاب (کاغذی یا مجازی - کیندل) که برای

بودجه های شکننده که از بودجه های اسلامی و پنتاگونی نمی توانند و یا نمی خواهند استفاده کنند، ناممکن به نظر می رسد، هر یک از این امور می تواند ما را هم زمان از آزادی دسترسی به این امکانات محروم کند... و وقتی از صحنه کارزار ویروس و آنتی ویروس عبور کنیم، در خساراتی که «انترنت» به کارها و پرونده ها و سایت های خصوصاً رایگان وارد می کند، هیچ کس پاسخگو نیست و همین خدمات رایگان و خصوصی بودن برخی سایتها را بهانه قرار می دهند تا تخریب و یا حذف و یا تعطیلی آن را توجیه کنند. ظاهراً نیز صحیح به نظر می رسد. مثل خود نظام سرمایه داری و تبعیض طبقاتی ... حسابداری اشتباه نمی کند و نظام حاکم در دفاع از خودش هیچ گاه کم نمی آورد. اینترنت و تمام زیربنای ارتباطی و رسانه ئی، تمام انقلاب رایانه ئی، و تمام انقلابهای صنعتی به آنان تعلق دارد و همیشه، در نبود تشکلات اجتماعی جامعه گرا که از منافع واقعاً عمومی دفاع کند، همیشه یک فرد را می بینیم در مقابل یک غول عظیم صنعتی که بیش از پیش دسترسی ناپذیر و غیر مادی بنظر می رسد، و به همین علت دروغ رسانه هائی مانند «حقوق بشر» بیشتر از آزادی بیان حرف می زنند و کمتر به ضرورت آزادی دسترسی به رسانه ها می پردازند. البته چگونگی و نقش «حقوق بشر» در وادی کشورهای جهان سوم و یا سرزمینهای که امپریالیسم جهانی چشم طمع به آنها دوخته، مثل ایران، به شکلی است که صرفاً به نقض حقوق بشر در این و یا آن کشور می پردازند، یعنی در حیطه ای کاملاً محدود (به این معنا که برای مثال، وضعیت کودکان دی اکسین در ویتنام، کامبوج و لائوس، و کودکان اورانیوم ضعیف شده در سر تا سر گیتی به آقای لاهیجی و شیرین عبادی ارتباطی پیدا نمی کند) و بی گمان با پیش زمینه های سیاسی و توطئه آمیز و توطئه آلود برای نفوذ و دخالت در امور داخلی کشورهای مستقل به فعالیتهای «بشر دوستانه» با حقوق مکفی ادامه می دهند.

مدافعان حقوق بشر جهان سومی در عین حال به نقض حقوق بشر در اتحادیه اروپا و یا ایالات متحده، در صورتی که به وقوع بپیوندد، و یا عملکرد تجاوزکارانه و چپاولگرانه این کشورها در جهان سوم کاری ندارند و بررسی وضعیت حقوق بشر در این بخش از جغرافیای جهان به منطقه فعالیت مدافعان حقوق بشر مربوط نمی شود. برای درک بیشتر این واقعیت، بد نیست یادآور شویم که در ادبیات جغرافیای سیاسی و در رسانه های آلترناتیو حقوق بشر را اسب تروآی پنتاگون نیز نامیده اند که به روشنی ماهیت این ترفند و یا تبلیغ سیاسی را آشکار می کند، در واقع می توانیم نتیجه بگیریم که همین «حقوق بشر» دست و پا شکسته ای که می توانست تا حدودی قابل دفاع باشد، عملاً به مثابه بهانه برای ارتکاب به جنگهای تجاوز کارانه و جنایات جنگی به کار برده می شود که از تبعات همان غول عظیم از خودبیگانه ساز نامرئی ست، ولی به نام «مداخله بشر دوستانه» به ما تزریق می کنند. به همین علت من غالباً در نوشته هایم مدافعان حقوق بشر را به مثابه گروه تروریستی تعریف کرده ام. یعنی موردی که غالباً به دلایل روشنی در تخیلات و ادبیات سیاسی اجتماعی فرهنگی عموم ایرانیان، و خاصه طیف ایرانیان خارج از کشور که تا حدود گسترده ای با سیاستهای امپریالیستی و طبقاتی در تبنانی هستند و به دلیل همان اختناق حاکم و سیطره ایدئولوژی طبقاتی و در گستره نفوذ فرهنگ ناتو در توده ها، به سختی قابل درک است.

مطمناً آنانی که با کار نویسندگی آشنائی و به شکل روزمره با آن سر و کار دارند بهتر از توریست های ادبی که در سواحل جهان نوشتاری پرسه می زنند این واقعیت را از نزدیک لمس می کنند. حقوق نویسنده و ناشر و مالکیت خصوصی بر ادبیات و... فقط می تواند به انحصاری و خصوصی سازی ادبیات و نهایتاً تخریب ادبیات و آزادی بیان بینجامد، به طوری که سامانه های رایانه ئی و رسانه های نو از خیلی سالها پیش در جعبه ابزار جنگی سلطه جویان و سرمایه داران جای گرفت: از این پس بسیاری از تحلیل گران جغرافیای سیاسی و سیاست شناسان و ستراتژیست های

نظامی و نویسندگانی که در سایت های آلترناتیو مثل شبکه ولتر، مرکز مطالعات جهانی سازی، انوستیگ آکسیون،... می نویسند به این موضوع پرداخته و انترنت را به مثابه [ابزار جنگی] تمام عیاری شناسائی کرده اند. با وجود این، تمام این ابزارهای هوشمند و دروغ رسانه ها در گذشت زمان و با همه سرمایه های عظیمی که به آن اختصاص می دهند و با وجود لشکر روزنامه نگاران رسمی که به ازای حقوق مکفی برای صاحب کاران قدرت و ثروت در تحریف حقیقت می کوشند، در مقابل انسان هوشمند مثل پر کاه ریزش می کند. از دیرباز پیشگامان کشف کردند و این فرمول را به ما آموختند که « بهترینهایی که نظام سرمایه داری تولید می کند علیه خودش به کار خواهد رفت ».

ولی حقانیت چنین ادعائی به خودی خود صورت نمی گیرد، فیلسوف فرانسوی ما لوسین سو در تحلیلهایش در عین حال می گوید، فروپاشی عهد قدیم و عبور به تمدن واقعاً پیشگام و دوران پیدایش انسانهای آزاد و از خودبیگانه زدائی شده که صاحب میراث فرهنگی و توانائی های انسانی خود هستند، به خودی خود تحقق نمی یابد و به دخالت انسانی نیازمند است.

حمید محوی/گاهنامه هنر و مبارزه / ۲۱ جولای ۲۰۱۶